

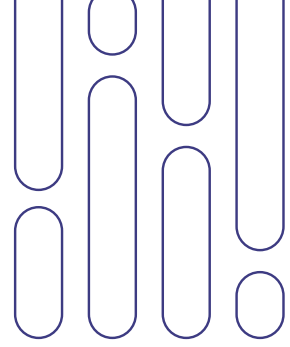
گزارش

پیامدهای بحران واگنر بر نظام روسیه و روندهای جنگ در اوکراین

5 ژوئن 2023 م



RASANA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- اول: واکنر.. صعود و جایگاه آن در راهبرد روسیه 3
- دوم: تحولات تنش واکنر با دولت روسیه 6
- سوم: پیامدهای این بحران بر تلاش جنگی روسیه در اوکراین 7
- چهارم: پیامدهای شورش نیروهای واکنر بر همپیمانان اوکراین 10
- برآیند 12

در صبحگاه روز شنبه 24 ژوئن 2023 میلادی خبرشورش نیروهای نظامی شرکت خصوصی «واگنر» علیه نظام روسیه، این کشور را در بهت فرو برد. نیروهای واگنر که تحت امر یوگنی پریگوژین تاجر نزدیک به کرملین فعالیت می کنند، به شهر روستوف (جنوب غرب) روسیه وارد شده و به سمت شمال و به سوی موسکو پیشروی کردند. پریگوژین در توجیه این شورش، ارتش روسیه را متهم کرد که پایگاه نیروهای وی را بمباران کرده و تعداد زیادی از نیروهای وی در این بمبارانها جان خود را از دست داده اند. وی همچنین ارتش روسیه را که هم اکنون شدیداً درگیر جنگ با اوکراین است، به انتقام تهدید کرد. این شورش چندان ادامه نیافت و با میانجیگری الکساندر لوکاشینکو رئیس جمهور بلاروس، طرفین به توافقی دست یافتند که به موجب آن نیروهای «واگنر» به پایگاهها و اردوگاههای خود بازگردند و جنگجویان آن نیز یا به ارتش ملحق شوند و یا بصورت قراردادی با ارتش همکاری کنند. پریگوژین رهبر واگرنیز با تضمینهایی که از شخص رئیس جمهور پوتین دریافت کرده است، کشور را به مقصد بلاروس ترک نمود. وقوع این بحران گمانه زنی ها و سؤالات چندی را در مورد علل و انگیزه های این شورش و پیامدهای آن بر جنگ روسیه در اوکراین و نیز پیامدهای این شورش بر همپیمانان اوکراین مطرح کرده است و این پرسش را به وجود آورده است که در جنگ کنونی در اوکراین، چه جایگزینی برای نیروهای واگنر وجود دارد؟

اول: واگنر.. صعود و جایگاه آن در راهبرد روسیه

با توجه به اینکه کرملین دست گروه واگنر را در اقتصاد و نظامی گری در خارج باز گذاشت، این گروه توانست در طی تنها چند سال به بازاری ضریب و توانمند پوتین در خارج از مرزهای روسیه تبدیل شود و رهبر این گروه نیز در شماری از ثروتمندان بزرگ جای گرفت. برخلاف سایر گروههای مزدور، گروه وی نه تنها از نفوذ مالی برخوردار بود بلکه در نیروهای زمینی و هوایی نیز نفوذ داشت و در کشورهای سوریه، لیبی، و کشورهای آفریقای مرکزی و اوکراین آزادانه جولان می داد. اینک به تأسیس و توسعه گروه واگنر و جایگاه آن در راهبرد روسیه نگاهی می اندازیم:

یک. گروه واگنر.. تأسیس و توسعه

گروه «واگنر» به عنوان یک شرکت خصوصی نظامی در سال 2013 میلادی توسط دو چهره معروف روسیه یعنی دیمتری اوتکین افسر پیشین دریگان نیروهای خاص روسیه، و یوگنی پریگوژین که تاجر روسی و نزدیک به ولادیمیر پوتین است، تأسیس شد. واگنر به عنوان یک شرکت بازرگانی خصوصی در آرژانتین ثبت شد و در شهرهای پترزبورگ و هنگ کنگ نمایندگی دارد. این شرکت یک اردوگاه آموزشی نظامی نیز

در مسکو دارد. در دهه های اخیر، استفاده از شرکت های خصوصی برای تأمین امنیت در سطح جهان و مخصوصاً در روسیه گسترش چشمگیری داشته است. استفاده از شرکت های امنیتی شبه دولتی تنها به دوره حکومت پوتین مربوط نمی شود زیرا قبل از آن و در اوایل دهه نود و همزمان با فروپاشی اتحادیه شوروی، روسیه ظهور گروه های مسلح مشابهی را تجربه نموده است.

روسیه در دهه گذشته برای تحقق اهداف ژئوپلیتیک و ژئوراهبردی در برخی از مناطق نفوذ خود، و نیز در مناطقی که مسکو نمی خواهد علناً نیروهای رسمی خود را گسیل دارد، به استفاده از شرکت های نظامی خصوصی روی آورده است. مسکو با این کار توانسته است از مسئولیت اقدامات این گروه ها شانه خالی کند و در نتیجه، تا حدی خود را از تحریم های غربی دور نگه دارد. از مهمترین اقدامات این گروه در سال های اخیر می توان به مشارکت آن در بحران های جهانی در سرتاسر دنیا از سوریه گرفته تا ونزوئلا اشاره کرد. اما با شعله ور شدن بحران اوکراین وضع تغییر کرد و در اوایل سال جاری ایالات متحده این گروه را به عنوان سازمان تبهکار فرامرزی معرفی کرد. کشورهای استرالیا، کانادا، ژاپن، بریتانیا و اتحادیه اروپا شرکت «واگنر» را تحریم کردند.

دو. تأمین مالی گروه واگنر و منابع مالی آن

گروه واگنر منابع مالی متعدد و کلانی در اختیار دارد و اساساً درآمد این گروه از مزدوری برای دولت ها و در کشورهای آفریقایی و خاورمیانه که در آنها درگیری های مسلحانه جریان دارد و نیز در اوکراین، تأمین می شود. پرویگوزین رهبر این گروه، یک تاجر روسی است و شرکت های وی در خارج تحریم های امریکایی و اروپایی را دور می زنند. فعالیت های او در داخل روسیه بیشتر در حوزه رستوران ها و تدارکات است و با توجه به اینکه در سال های گذشته به ولادیمیر پوتین نزدیک بوده است، در داخل روسیه از نفوذ گسترده ای برخوردار است. گزارش های غربی حکایت از آن دارد که کرملین نیز بخشی از هزینه های این گروه را تأمین می کند.

نظر به فعالیت گروه واگنر در چندین کشور آفریقایی مانند مالی، کنگو، سودان، لیبی، آفریقای مرکزی، موزامبیک، ماداگاسکار و غیره که درگیری های مسلحانه در آنها جریان دارد، آفریقا از مهمترین منابع تأمین مالی این مجموعه محسوب می شود. این گروه در مقابل فعالیت نظامی خود ضمن دریافت اموال نقدی، از طریق شرکت های روسی تحت مالکیت خود منابع خدادادی آن کشورها مانند طلا، نفت، اورانیوم، الماس را به یغما می برد و به زمین های کشاورزی نیز دست درازی می کند. در موارد محدودی نیز افراد این گروه در مناطقی که حضور دارند دست به غارت می زنند.

دولت مالی درازای حمایت نظامی این گروه، ماهیانه حدود 10 میلیون دلار می پردازد. و گزارشات متعددی حکایت از آن دارد که شرکتهای تحت مالکیت واگنر در مالی و بورکینا فاسو معادن نفیسی چون طلا، اورانیوم را و در لیبی و سودان نفت و طلا را و در جمهوری آفریقای مرکزی چوب و زمینهای زراعتی را و در کونگو و کینه الماس را به تاراج می برند. یعنی اینکه این گروه روسی منابع مالی متعددی در اختیار دارد؛ که از مزدوری برای دولتها گرفته تا سرمایه گذاری شرکتهای تحت مالکیت آن در داخل و خارج روسیه و استفاده از نفوذ برای دستیابی به منابع خدادادی در کشورهای آفریقایی تنها چند نمونه از آن منابع متعدد است.

سه. جایگاه واگنر در راهبرد روسیه

گروه «واگنر» مهمترین ابزاری است که روسیه با استفاده از آن بدون دخالت نظامی مستقیم منافع خود را در برخی از کشورهای دنیال می کند. اولین تحرکات این گروه در سال 2014 میلادی که روسیه شبه جزیره کریمه را به خاک خود ضمیمه کرد، علنا خود را نشان داد. بعدها، در سال 2015 میلادی و برای حمایت و جلوگیری از سقوط نظام بشار اسد که همپیمان منطقه ای مسکو است، و برای تحقق دستاوردهای راهبردی مهم در سوریه نیز نقش آفرینی کرد و نیروهای این گروه در قالب عملیات نظامی روسیه در سوریه مشارکت نمود. این مشارکت توان جنگی این گروه را بسیار افزایش داد و افراد این گروه در چندین عملیات نظامی مهم در کنار ارتش سوریه مخصوصا در عملیات نظامی برای تصرف شهرهای مهم سوریه مانند تدمر، دیر الزور و الرقه حضور داشتند.

این گروه بعد از اینکه در سوریه و اوکراین خوش درخشید، توانمندی بالای جنگی و تاکتیکیهای «جنگ خیابانی» را کسب نمود. در نتیجه، روسیه برای کسب دستاوردهای بیشتر، این گروه را به کشورهای بیشتری چون ونزوئلا و برخی از کشورهای آفریقایی مانند آفریقای مرکزی، جنوب سودان، مالی و موزامبیک گسیل داشت. از آنجایی که این گروه در لیبی جنگ افزارهای متنوعی چون تانکهای زرهی، سیستمهای دفاعی و جنگنده ها و بمب افکن ها را به خدمت گرفت، توانست گسترده ترین تجربیات را کسب کند. مشارکت این گروه - مخصوصا - در این مناطق با هدف تأمین منابع طبیعی مورد نیاز مسکو و مقابله با نفوذ غرب در قاره آفریقا و مخصوصا نفوذ فرانسه و نیز پاسداری از روابط امنیتی و نظامی مسکو با کشورهای آفریقایی و گسترش حوزه نفوذ راهبردی مسکو صورت می گیرد.

روسیه از ابتدای شعله ور شدن بحران اوکراین، استفاده از این گروه را با هدف ایجاد اختلاف میان اوکراین و غرب در راهبرد خود قرار داد. و برای حمله به شهرها و روستاهای اوکراین که برای ارتش روسیه سخت بود، از جنگجویان این گروه که در جنگ خیابانی

ورزیده بودند مدد گرفته شد. جنگجویان این گروه بطور گسترده و فعال در چندین جنگ اصلی از جمله در عملیات تصرف شهر سورودونتسک و عملیات تصرف شهر بوباسنا و نهایتاً در عملیات تصرف شهر باخموت که جنگ در آن چند ماه بطول انجامید و در نهایت در ماه می گذشته سقوط کرد، مشارکت داشتند.

دوم: تحولات تنش و واکنز با دولت روسیه

تحولات اخیر در روسیه و تشدید اقدامات امنیتی در مسکو بعد از آن صورت گرفت که یوکنی پریگوژین رهبر گروه واکنز نیروهای خود خواست که علیه فرماندهی روسیه دست به شورش بزنند. پریگوژین نیروهای روسیه را متهم ساخت که در شامگاه 24 ژوئن 2023 میلادی مواضع نیروهای تحت امر وی را بمباران کرده است. پریگوژین وزارت دفاع روسیه را مسئول این بمباران و خسارات جانی ناشی از آن دانست و تهدید به انتقام نمود. از اینجا مشخص می شود - و برخی از تحلیل ها نیز بر این رأی است - که علت اصلی این درگیری، تنش میان پریگوژین و سیرگی شوپکو وزیر دفاع روسیه است که از سال 2012 میلادی این جایگاه را همچنان حفظ کرده است. در عین حال، برخی دیگر بر این باورند که این سناریو با هدف تبرئه کردن ارتش روسیه از پیامدهای حقوقی اقدامات واکنز در اوکراین ترتیب داده شد. پریگوژین تنها به تهدید اکتفا نکرد بلکه برخی از تصمیمات روسیه را نیز مورد انتقاد قرارداد. او گفت: «شرارت» در فرماندهی نظامی باید متوقف شود. سپس او وعده داد که به «[تلاش برای عدالت](#)» ادامه خواهد داد. پریگوژین همچنین بهانه های روسیه [برای حمله به اوکراین](#) را واهی خواند و گفت: «اوکراین و [بیمان آتلانتیک شمالی](#)، در سال 2022 میلادی هیچ طرحی برای حمله به اقلیم دونباس و شبه جزیره کریمه نداشتند». او همچنین [سیرگی شوپکو](#) وزیر دفاع روسیه را بخاطر ناکامی روسیه در میدان نبرد و تلفات انسانی زیاد، مورد سرزنش قرارداد و گفت که جنگ روسیه در اوکراین [برنامه ریزی شده و به نفع برخی از نخبگان](#) بود.

می توان گفت که شورش نیروهای «واکنز» نتیجه طبیعی تنش داخلی میان رهبران گروه و [وزارت دفاع روسیه](#) است که از ابتدای جنگ باخموت (در شرق اوکراین) پدید آمد. این عملیات که هدف از آن تصرف دو منطقه لوهانسک و دونتسک و منطقه جنوبی بود و تقریباً 224 روز طول کشید، شدیدترین و خونبارترین عملیات در جنگ روسیه و اوکراین است که حدود 100 هزار کشته و زخمی بر جای گذاشت. پریگوژین که خواهان تجدید نظر در حمله روسیه به اوکراین شد. او چندین مرتبه وزارت دفاع روسیه را متهم ساخت که پایگاه نیروهای او را هدف حملات موشکی قرارداد است

که تلفات جانی زیادی داشته است. او همچنین وزارت دفاع روسیه را متهم ساخت که آنگونه که باید، تجهیزات کافی جنگی در اختیار نیروهای تحت امر او قرار نداده است. وی همچنین نیروهای روسیه را متهم کرد که از میدان جنگ در حومه شهر باخموت اوکراین پا به فرار گذاشته اند.

علی رغم اینکه پریگوژین از عقب نشینی نیروهایش و پایان شورش آنان خبر داده است، اما وقوع این شورش، یک ضربه کاری به روحیه و راهبرد نهاد نظامی روسیه به شمار می رود. و پیامدهای ناتوانی روسیه در کسب پیروزی در جنگ اوکراین اوضاع داخلی روسیه را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد به گونه ای که احتمالاً این امر بر آینده مسکو و نیز آینده رهبران سیاسی مسکو تأثیرات تعیین کننده ای داشته باشد.

سوم: پیامدهای این بحران بر تلاش جنگی روسیه در اوکراین

در باب سخن از پیامدهای این بحران - در صورت عدم مشارکت یا عقب نشینی نیروهای واکنر- بر تلاش جنگی روسیه که برای کسب حمایت و پیروزی در اوکراین به تبلیغات گسترده روی آورده است، چندین سؤال مطرح می شود که مهمترین آنها عبارتند از: آیا این بحران، توانمندی و بلند پروازی های مسکو در این جنگ را کم رنگ خواهد کرد؟ آیا در صورت عقب نشینی نیروهای واکنر از جنگ، و یا وقوع یک شورش مشابه دیگر و یا ترغیب کسانی - چه در بدنه دولت و یا در میان نیروهای روسی در میادین جنگی - که به شورش تمایل دارند، اگر روحیه نیروهای روسیه تحت تأثیر قرار گیرد، چنین بحرانی سرنوشت جنگهای میدانی در مناطق مختلف اوکراین و یا بر مناطق تحت کنترل و نفوذ و پویایی میدان جنگ تأثیر خواهد گذاشت؟ با مطالعه مطالب مرتبط و نظرات نویسندگان و صاحب نظران در این موضوع، در می یابیم که در ارزیابی پیامدهای احتمالی این بحران بر فعالیت جنگی روسیه در اوکراین دورویکرد و نظر وجود دارد:

دورویکرد اول: طرفداران این دورویکرد بر این باورند که این بحران، تلاش جنگی روسیه در اوکراین را که اکنون به سال دوم کشیده شده است تحت تأثیر قرار خواهد داد. آنان این نظر خود را چنین توجیه می کنند که حضور نیروهای واکنر در جنگ کنونی اوکراین یک عامل تعیین کننده به شمار می رود؛ زیرا در اوایل جنگ که مسکو نتوانست در مدت کوتاهی اوکراین و مخصوصاً پایتخت آن یعنی کی یف را تحت کنترل خود در آورد و در این راه با چالشهای بزرگی روبرو شد و تصمیم به سربازگیری اجباری گرفت، این نیروهای واکنر بود که در تحقق راهبرد نظامی روسیه برای ایجاد تحولات راهبردی و تغییر معادله جنگ به نفع روسیه کمک شایانی کرد.

نیروهای واکنراز همان زمان که در کنار نیروهای ارتش روسیه و یگانهای نظامی در دونتسک و لوهانسک وارد جنگ شدند، همواره در چندین عملیات در خطوط مقدم جبهه های نبرد جنگیده اند. و در کنار نیروهای روسیه توانستند در چندین عملیات پیشروی و تصرف شهرهای بوباسنا، لیسچانسک و شهر راهبردی سولیدار مشارکت فعالی از خود به نمایش بگذارند. گفتنی است شهر راهبردی سولیدار مقدمه تصرف باخموت بود که طولانی ترین و خونبارترین جنگ را تجربه کرد و از نگاه مسکو گران ترین غنایم است؛ زیرا تصرف باخموت جایگاه و توانمندی نیروهای روسیه را برای تصرف دو منطقه لوهانسک و دونتسک که مجموعاً اقلیم دونباس را تشکیل می دهند، بالا برد.

بعد از آنکه روسیه علی رغم یکسال جنگ پیشرفت چندان در میدان نبرد کسب نکرده بود و بخاطر شکستهایی که در خارکیف و جنوب شرق اوکراین متحمل شده بود نارضایتی افکار عمومی را رقم زده بود، نیروهای واکنرتوانستند نقش مهم و فعالی در تغییر معادله جنگ به نفع روسیه بازی کنند. و با توجه به تجربه طولانی و تاکتیکهای مختلف جنگی نبرد پارتیزانی و جنگ شهرها که در نبرد با ارتش های پیشرفته در مناطق مختلف جهان کسب کرده بودند و نیز بخاطر در اختیار داشتن امکانات نظامی پیشرفته، و بخاطر اینکه جنگجویان آن آموزشهای نظامی پیشرفته ای دیده بودند، در جبهه های نبرد مهارت و نظم بالایی از خود نشان دادند و بسیار خوش درخشیدند. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که حضور واکنردر جنگ اوکراین از لحاظ تعداد جنگجویان نیز قابل توجه است که روایات متعددی درباره تعداد آنها وجود دارد. برخی روایات تعداد آنها را بین 25 هزار تا 30 هزار جنگجو تخمین زده اند. اما روایت امریکایی، آنان را [حدود 50 هزار جنگجو](#) تخمین زده است که 10 هزار تن آنها بصورت قراردادی هستند و 40 هزار تن آنها زندانیانی هستند که از داخل زندان روسیه برای جنگ بسیج شده اند. و همین تعداد بالای آنها سبب شده است که آنان در انجام مأموریتهای جنگی پیچیده در جبهه های سخت نبرد دقت و مهارت بالایی از خود به نمایش بگذارند و بعد از اینکه در کسب چندین پیروزی خوش درخشیدند و آوازه آنان پیچید، در حمایت نظامی و افزایش روحیه سربازان روسیه در جنگ نقش بسیار مهمی ایفا کردند و کرملین را از خشم مردمی بخاطر بسیج مردمی و سربازگیری اجباری نجات دادند.

رویکرد دوم: طرفداران این رویکرد، علی رغم اینکه با نظر طرفداران رویکرد اول در این مورد موافق هستند که واکنریک یگان جنگی تاکتیکی بسیار حرفه ای است، اما معتقدند که تأثیر پیامدهای این بحران بر عملیات جنگی روسیه بسیار ناچیز خواهد بود؛ زیرا واکنرقادر نیست به تنهایی و مستقل از ارتش روسیه به عملیات نظامی گسترده ای دست بزنند. و برای درگیر شدن در جنگهای بزرگ و طولانی مدت، تجهیزات کافی در اختیار ندارد. علاوه بر آن، طرحهای جنگی روسیه در مناطق حساس و مناطق جنگی

راهبردی تنها بر نیروهای واکنزتکیه ندارد. و نیروهای واکنزبیشتر در جبهاتی درگیر هستند که مانند باخموت بازتاب رسانه ای دارد. این در حالست که نیروهای ارتش روسیه در جبهات جنگی راهبردی و تأثیرگذار در معادله جنگ و محاسبات پیروزی و شکست، درگیر جنگ هستند که نمونه آن را در جبهه شرقی که تا خارکیف ادامه دارد و نیز در جبهه جنوبی در خیرسون شاهد هستیم.

همچنین طرفداران رویکرد دوم بر این باورند که ارتش روسیه با توجه به اینکه در گذشته جنگهای زیادی را تجربه کرده، در مدیریت جبهات جنگی از مهارت جنگی بالایی برخوردار است. از این رو، به احتمال زیاد، در صورت عقب نشینی نیروهای واکنز جبهات جنگی، ارتش روسیه گزینه بدیلی برای جایگزین کردن نیروها در میدان جنگ را در اختیار دارد. وانگهی، از زمانی که والری گراسیموف رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح روسیه فرماندهی عملیات نظامی روسیه در اوکراین را بر عهده گرفت، وزارت دفاع روسیه بخاطر وجود اختلافات میان واکنز و وزارت دفاع، برای کاهش وابستگی به نیروهای واکنز در خطوط مقدم جبهه، برنامه ریزی می کرد. به باور طرفداران رویکرد دوم، راهبرد ارتش روسیه برای کسب پیروزی در جنگ بیش از آنکه به استفاده از نیروهای زمینی تکیه داشته باشد، به استفاده از نیروی هوایی و سلاحهای کشنده تکیه دارد.

حال، جدای از این دورویکرد، به نظر می رسد که شورش نیروهای واکنز از یک بحران ریشه ای در حلقه اطراف پوتین و مخصوصا میان مقامات عالی رتبه نظامی روسیه و بخصوص در داخل وزارت دفاع، پرده بر می دارد. وجود چنین بحرانی قطعاً نظام پوتین را تحت تأثیر قرار می دهد به گونه ای که احتمال دارد پوتین ناگزیر شود فرماندهان عالی رتبه نظامی را تغییر دهد و دست به پاکسازی گسترده ای در ارتش بزند تا آنانی را که احتمال می رود با واکنز همنا باشند و یا بخواهند با برنامه ریزی دقیق همانند واکنز دست به اقدامی بزنند و به قول پوتین آینده کشور را هدف قرار دهند، پاکسازی کند. پوتین در این عملیات پاکسازی تلاش می کند برای جلوگیری از افزایش پدیده نارضایتی مردمی در روسیه که امروز بخاطر پیامدهای جنگ و حمایت غربیها از کی یف روبه افزونی نهاده است، دستاوردهایی را برای خود رقم بزند.

همچنین در شرایطی که پوتین با کمبود نظامیان در جبهات نبرد روبرو است، کنار گذاشتن گروه واکنز و جایگزین کردن گروه دیگر به جای آن، یک چالش برای پوتین به شمار می رود؛ زیرا گروه رمضان قدیر اف فقط در جنگ پارتیزانی مهارت دارند و در جنگ مقابل یک ارتش بزرگ و پیشرفته توانایی چندانی ندارند. حال جای این سؤال باقیست که پوتین تا چه اندازه ای بر قدیر اف تکیه خواهد کرد؟ احتمال دارد مسئولیت حفظ امنیت در مناطق ناآرامی چون روستوف که گروه واکنز بدون هیچ مقاومتی آن را

تصرف کردند، به قدیراف سپرده شود. و این احتمال نیز وجود دارد که گروه قدیراف برخی مأموریت‌های دفاعی را زیر نظر فرماندهی کل ارتش روسیه بر عهده گیرد. اینکه پوتین در سخنرانی خود به حوادث سال 1917 میلادی اشاره کرد و ضمن اینکه آن را توطئه ای برای نابودی ارتش روسیه خواند آن را با اقدامات پریگوژین مقایسه کرد، یعنی اینکه پوتین دریافته است که او به پریگوژین میدان داد و اکنون کار از کار گذشته است. و خود او اجازه داد تا قدرت وی در روسیه با یک چالش واقعی روبرو شود.

همچنین، عقب نشینی نیروهای واگنراز صحنه نبرد می تواند روحیه نیروهای روسیه را تضعیف کرده و در مقابل، روحیه نیروهای اوکراینی را بالا ببرد که این معادله به نفع اوکراین تمام می شود. بازتاب این امر در داخل روسیه و ادامه بروز چند دستگی در حلقه اطراف پوتین و گرایش برخی به رهبر واگنر، می تواند پیامدهای جدی برای عملیات نظامی روسیه به دنبال داشته باشد؛ به ویژه اینکه غریبها همواره برای استفاده از این بحران و کشاندن درگیری به داخل روسیه آمادگی دارند.

چهارم: پیامدهای شورش نیروهای واگنر بر همپیمانان اوکراین

همپیمانان اوکراین که تحولات مسکو را دنبال می کنند، میان مسأله جنگ کنونی و سلاحهای هسته ای روسیه موازنه برقرار می کنند. با توجه به این دو عامل، رهیافت آنها این است که ولادیمیر پوتین را بر «لبه سقوط» قرار دهند. در چنین وضعیتی پوتین تضعیف شده و دیگر نمی تواند با کسب دستاوردهای بزرگ در جنگ علیه اوکراین، اقتدار و برنامه های توسعه طلبانه خود را تقویت نماید. اما در عین حال، غریبها می خواهند که قدرت مرکزی در مسکو کمترین میزان قدرت را همچنان حفظ نماید تا مبادا کنترل سلاحهای هسته ای را از دست بدهد و این سلاحها به دست طرفهای بی خرد افتد. این نکته را نیز نباید از یاد برد که طرفی که در مقابل پوتین قرار دارد، به عنوان یک تروریست شناخته شده است و نیروهای مزدور را رهبری می کند. یعنی از نظرایالات متحده و غرب طرف مقابل پوتین، حداقل شرایط رهبران اپوزیسیون-کودتا گرو یا مسالمت آمیز- را ندارد. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که از نگاه غرب پریگوژین و پوتین تفاوت چندانی با هم ندارند زیرا که هر دوی آنها دشمن غرب هستند. مسأله پریگوژین تنها خود جنگ نیست بلکه مسأله، چگونگی و علت جنگ است. این یک رویارویی میان دو مردی است که درباره نحوه تخریب بهتر اوکراین با هم اختلاف دارند. به همین دلیل زمانیکه نیروهای پریگوژین بدون هیچ مقاومتی به سوی مسکو پیشروی می کردند، ناتو نسبت به وقوع مسأله ای بدتر یعنی سقوط روسیه با زرادخانه هسته ای پیشرفته و ویرانگر به دست یک حاکم تندرو تر نگران بود که برای شلیک

موشک‌های هسته‌ای تمایل تام دارد. همچنین بایدن سفر خود به کامپ دیوید را برای مشورت با همپیمانان اروپایی خود به تأخیر انداخت. ناتو فعالیتها و اقدامات امنیتی در نقاط مرزی با روسیه را تشدید کرد و نیروهای هوایی خود را به حالت کاملاً آماده باش در آورد. و این نیروها تا چند هفته آینده نیز این آمادگی خود را حفظ خواهند کرد تا با هرگونه حمله روسیه به یکی از اعضای ناتو و یا به کشورهای اروپای شرقی همپیمان ناتو مقابله نماید. ناظران چندی در پیمان آتلانتیک شمالی نسبت به این مسأله که ممکن است پوتین حکومت خود را در معرض خطر ببیند و به مرزهای همسایگان کوچکترا ناتو مانند استونی، لیتوانی، لاتویا و رومانی یورش برد، اظهار نگرانی کرده‌اند. از این رو، ناتو به جای اینکه از دور اوضاع ناپایدار را نظاره کند، انواع هواپیماهای جاسوسی و عناصر اطلاعاتی خود را به خدمت خواهد گرفت تا همیشه تحولات روی زمین را زیر ذره بین داشته باشد.

هرچند که یگانهای مختلف نظامی روسیه با یکدیگر درگیر شدند، اما هنوز بهترین سناریوی مورد نظر اوکراین و ناتو رخ نداده است. زیرا طولی نکشید که اوضاع کنترل شد و مسکو از وقوع فاجعه بزرگتر جلوگیری کرد؛ مسأله‌ای که کام دشمنان مسکو را تلخ کرد و به پوتین فرصت داد تا ابهت از دست رفته اش را ترمیم کند و اوضاع را تحت کنترل خود بگیرد. با این همه، شورش نیروهای واگنر به نفع کی یف و همپیمانان آن تمام شد؛ زیرا این رخداد از یک طرف، افکار عمومی جهان را از دنبال کردن روند جنگ در اوکراین به داخل روسیه معطوف کرد. و از طرفی دیگر، به دولتهای غربی و مخصوصاً اداره آمریکا انگیزه‌های مضاعفی برای حمایت اوکراین فراهم ساخت. و کشورهای غربی از این رخداد استفاده می‌کنند تا مخالفین جنگ را قناعت دهند و خطر پوتین و نیز هرج و مرجی که قبل از هرچیزی برای کشور خود رقم زده است را پررنگ نشان دهند. همچنین، موضع خصمانه یوگنی پریگوژین در مقابل پوتین، رئیس جمهور روسیه را در موقعیت ضعف و نابسامانی نشان داد که بر اوضاع داخل کشور خود نیز کنترل ندارد. و با این اقدام، تصویری که پوتین در طول سالهای گذشته از خود به عنوان رهبر قدرتمند ساخته بود فرو ریخت؛ به ویژه آنجا که پریگوژین منطق پوتین در حمله به اوکراین را مورد تردید قرار داد. این اظهارات که از جانب روسها سابقه نداشت، مایه خرسندی اوکراینی‌ها را فراهم ساخت. در واقع، این بحران افسانه‌های اقتدار آه‌نین پوتین را فرو ریخت و وضعیت نابسامانی که بعد از این واقعه به وجود آمد زمینه را برای یک حمله نظامی احتمالی در آینده فراهم ساخت. در اولین ساعات این شورش، اوکراینی‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات ارزشمند درباره روحیه و وضعیت فرماندهی و کنترل بر امور یک فرصت طلایی در اختیار داشتند. علی‌رغم تأکید کرملین که این رخداد بر روند جنگ تأثیری نخواهد گذاشت اما به احتمال زیاد این رخداد بر جنگ اوکراین تأثیر خواهد

گذاشت؛ زیرا از یک سو آینده واکنش در ابهام قرار دارد و از سوی دیگر، این شورش با ضد حمله ای که نیروهای اوکراینی با آغاز تابستان به آن دست زده اند، همزمان شده است. و این همزمانی، فرصت بیشتری را برای نیروهای اوکراینی فراهم می سازد تا قبل از رسیدن فصل زمستان برای کسب دستاوردهای لازم وقت بیشتری در اختیار داشته باشند. از اینجا می توان گفت که غرب و آمریکا به منظور تضعیف موقعیت پوتین در داخل و نیز جلوگیری از دستاوردهای نظامی وی در خارج، همچنان به حمایت‌های خود از اوکراین ادامه خواهند داد و احتمالاً این حمایت‌ها را افزایش خواهند داد.

برآیند

با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت که تداوم و آغاز مجدد بحران واکنش به گونه ای که بدون اینکه بقای رئیس جمهور پوتین در قدرت را تهدید کند، وی را با مشکلات داخلی عدیده ای روبرو سازد با خواست ایالات متحده و غرب سازگاری دارد؛ زیرا در این صورت آنان می توانند رئیس جمهور روسیه را به پذیرش راه حلی سوق دهند که وی را در وضعیت پیش از سال 2014 میلادی قرار می دهد. اروپایی ها هیچ فرصتی را در مورد مسکو هدر نمی دهند بلکه تلاش خواهند کرد از این فرصت در شرق اوکراین و شبه جزیره کریمه استفاده کنند. احتمالاً، پوتین ناگزیر خواهد شد در دوره پیش رو، قدرت گروه واکنش را کاهش دهد. و در فرماندهی و نهادهای امنیتی و نظامی حساس، تغییراتی ایجاد کند. و شاید هم به دنبال گزینه دیگری باشد که جای نیروهای واکنش را اکنون برای رهبری روسیه به عنوان یک نگرانی بدل شده، را بگیرد؛ به ویژه در این شرایط که به دنبال پیامدهای اقتصادی جنگ و نارضایتی از تصمیمات مربوط به سرریزگیری اجباری، نارضایتی و خشم عمومی بالا گرفته است.



✉ info@rasanahiiis.com

🐦 [@rasanahiiis](#) [@rasanahiiis](#)

🌐 www.rasanah-iiis.org

